

سناریوهای راهبردی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در افق ۲۰۳۰ میلادی

مسعود نادری^{۱*}

هادی تاجیک^۲

چکیده

آینده روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی و ابعاد احتمالی آن، موضوعی است که برای پژوهش‌گران و کارگزاران سیاسی دو کشور و دیگر کشورهای مؤثر در غرب آسیا بسیار مهم است. ما در این پژوهش آینده این روابط را در افق زمانی ۲۰۳۰ میلادی واکاوی کردیم. در این پژوهش سناریوهای محتمل در روابط دو کشور را با روش آینده‌پژوهی تلفیقی به دست آوردیم. در پاسخ به این سؤال که سناریوهای محتمل در روابط ایران و عربستان در افق زمانی سال ۲۰۳۰ میلادی چه خواهد بود؟ به سه سناریوی برتر رسیده‌ایم: "پایان تردیدها"، "آشوب سازنده" و "ایستاده بامشت"، که روابط احتمالی دو کشور را تصویر می‌کنند. پیشروی فزاینده محور مقاومت (سناریوی آشوب سازنده) و یا توازن دو جبهه (سناریوی ایستاده بامشت) بالاترین احتمال را در سال ۲۰۳۰ میلادی خواهند داشت. این وضعیت‌های احتمالی شامل شگفتی‌سازها در روابط طرفین نخواهد بود. ما هم‌چنین احتمال تحقق و مطلوبیت هر سناریو و نیز نسبت سناریوها با سیاست جاری جمهوری اسلامی ایران را بررسی کردیم.

واژه‌های کلیدی:

جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، سناریو نویسی، پیشران‌ها، تحلیل اثرات متقابل، پیش‌بینی.

^۱. دانشجوی دکتری دانشگاه جامع امام حسین (ع)

^۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

ایران و عربستان، کشورهای تأثیرگذار در جهان اسلام، منطقه غرب آسیا و در دوسوی خلیج فارس محسوب می‌شوند و هر دو به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای از دید کشورهای مؤثر در سیاست جهان شناخته می‌شوند. قبل از انقلاب اسلامی رویکرد تعامل و غیر تقابلی دو کشور متأثر از دکترین تقابلی آمریکا با شوروی کمونیستی معروف به نیکسون-کسینجر بود که در آن ایران به‌عنوان ستون سیاسی و نظامی-امنیتی و عربستان به‌عنوان ستون اقتصادی و مالی این دکترین قلمداد می‌شد. ایران و عربستان همواره دارای روابط پیچیده توأم با رقابت بوده‌اند. با این حال میزان پیچیدگی و رقابتی بودن در برهه‌های مختلف تاریخی به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی متغیر بوده است. وجود تفاوت‌های اساسی در بنیان‌های ایدئولوژیک، نژادی و سیاسی دو طرف سبب شکل‌گیری هویت‌های متفاوت و به‌تبع آن منافع متمایزی گردیده است که این امر موجب گردیده که در بیشتر زمینه‌ها، بازی با حاصل جمع صفر بر تعاملات طرفین حکم‌فرمایی نماید. وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی شیعی را می‌توان سرآغاز شکل‌گیری روابط همراه با تنش دو کشور دانست. پیروزی انقلاب اسلامی، نه‌تنها به تداوم رقابت‌های ژئوپلیتیک دو کشور انجامید بلکه با احیای شیعیان منطقه، موجب افزوده شدن عامل ایدئولوژی به رقابت میان دو کشور گردید.

روابط بین دو کشور از یک الگوی سینوسی پیروی نموده است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ موجبات شکل گرفتن اولین موج سینوسی در روابط دو کشور را در چهار دهه اخیر فراهم آورد و اعلان سیاست صدور انقلاب اسلامی و همراه شدن آن با ناآرامی‌ها در منطقه شیعه‌نشین الشرقیه عربستان و دیگر ناآرامی‌ها در این کشور، سبب ایجاد تنش‌هایی در روابط دو کشور گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شدیدترین ضربه به منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه وارد شد (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۶۶)؛ زیرا وقتی دولت ایران روی کار آمد، به مقابله جدی با ایالات متحده پرداخت و آمریکا را بزرگ‌ترین دشمن خود تلقی کرد (یانگ، ۱۳۸۴: ۴۰۱). همچنین وقوع انقلاب اسلامی در ایران سبب شد تا این کشور از لحاظ ایدئولوژیکی، در مقابل عربستان قرار گیرد و از طرفی هر دو کشور ادعا کردند که رهبر جهان اسلام و ام‌القرای منطقه هستند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

با شروع جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۹۸۰، شورای همکاری خلیج فارس و عربستان سعودی حمایت‌های همه‌جانبه از رژیم صدام به عمل آوردند که مسبب شکل‌گیری منازعاتی در روابط دو کشور شد. کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ از سیاه‌ترین حوادث در روابط ایران و

عربستان محسوب می‌شود که موجب شد تا چند سال روابط این دو کشور قطع باشد، اما با پایان جنگ تحمیلی و حمله عراق به کویت و تهدید عربستان سعودی و به دنبال آن محکومیت این اقدام عراق از سوی ایران، زمینه برای آغاز یک دوره تنش‌زدایی با عربستان فراهم آمد.

با پایان جنگ ایران و عراق و تحولات پس‌از آن تغییر در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به تنش‌زدایی و عمل‌گرایی، زمینه را برای نزدیکی تهران و ریاض در دو دوره دولت سازندگی و همکاری در دوره دولت اصلاحات را فراهم کرد. اما این دوستی که در عین پاره‌ای اختلافات در جریان بود با تحولات رخ داده در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مجدداً جای خود را به تنش داد. برجسته شدن عنصر تشیع در سیاست‌های منطقه‌ای از یکسو و پرتنگ شدن عنصر سنی - سلفی در تحولات منطقه از سوی دیگر حوزه رقابت دو کشور را از سطح منطقه خلیج فارس به کل منطقه خاورمیانه گسترش داد (اسدی، ۱۳۷۹: ۱۰-۱۱).

در برخی دوره‌های سازندگی و اصلاحات به‌واسطه تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سیاست خارجی ایران و همچنین به‌واسطه برخی تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و داخلی ایران از میزان پیچیدگی و رقابت در روابط دو دولت کاسته شد. نقطه عطف دوم که ادامه سیاست تنش‌زدایی را دشوار نمود، حمله ایالات متحده به عراق و سرنگونی صدام در سال ۲۰۰۳ بود که به‌زعم عربستان موجب آن گردید که عراق به‌طور کامل تحت نفوذ ایران قرار گیرد و موازنه‌ی منطقه‌ای به نفع ایران تغییر یابد. پیروزی حزب‌الله در جنگ سی‌وسه روزه سال ۲۰۰۶ در مقابل رژیم صهیونیستی با حمایت‌های همه‌جانبه ایران و نیز مقاومت جنبش حماس در نوار غزه طی نبرد ۲۲ روزه در سال ۲۰۰۹، سبب تقویت مواضع منطقه‌ای و افزایش نفوذ ایران در برابر عربستان گردید. به هر میزان که از اشغال عراق گذشته و زمان خروج نیروهای آمریکایی نزدیک‌تر می‌شد، میزان تنش‌ها در روابط ایران و عربستان نیز افزون می‌گردید. لذا عربستان سعودی درصدد یافتن فرصت‌هایی برای تغییر موازنه بود که این امر تا حدودی با آغاز بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱ فراهم گردید تا عربستان همه‌م سعی خود را به کار گیرد تا با سرنگونی بشار اسد به‌عنوان متحد مهم ایران در غرب آسیا آن را از حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران خارج نماید و شکل تازه‌ای از موازنه منطقه‌ای با محوریت خود برقرار نماید. ادبیات به کار گرفته‌شده از سوی مقامات دو کشور به‌ویژه از سوی مقامات سعودی علیه ایران در خلال نبرد سوریه غلظت منازعات دو طرف را به‌خوبی آشکار می‌سازد (حاتمی، ۱۳۹۴: ۸-۹).

در دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری احمدی‌نژاد همانند دوران جنگ هشت‌ساله، تنش بر روابط دو کشور سایه افکند و روابط به الگوی حاکم در اولین دوره بازگشت. در این دوره تقابل و رقابت‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک هم‌زمان شدت گرفت. وجه تمایز این دوره با دوره اول، خروج عربستان سعودی از جهت‌گیری محافظه‌کارانه و اتخاذ رویکرد فعال و تهاجمی در سیاست خارجی و برجستگی رویکرد ایدئولوژیک آن و حمایت از جریان‌های سلفی تندرو در سطح منطقه‌ای بوده است. در این دوره به‌واسطه ظهور مسائل جدیدی چون برنامه هسته‌ای ایران، موضوع عراق و القای هلال شیعی، مسائل لبنان و همچنین سوریه و بحرین و نیز تنگ‌تر شدن حلقه امنیتی ایران از سوی ساختار نظام بین‌الملل، واگرایی در روابط دو کشور نه‌تنها کاهش نیافت بلکه تداوم‌یافته و حتی تشدید هم شد (اسدی، ۱۳۹۷: ۶-۷).

انتظار می‌رفت که با روی کار آمدن دولت روحانی با شعار و گفتمان اعتدال‌گرایی، دو کشور در جهت تنش‌زدایی و اعتمادسازی در روابط فی‌مابین گام بردارند؛ اما به‌رغم تغییر گفتمان در سیاست خارجی موضوعات تنش‌زای منطقه‌ای و بین‌المللی همچنان به قوت خود باقی ماند؛ موضوعاتی همچون بحران سوریه، فرقه‌گرایی در منطقه، داعش و گروه‌های سلفی تکفیری، برنامه هسته‌ای ایران، حادثه منا و حمله به مراکز دیپلماتیک عربستان در تهران و مشهد و درنهایت قطع رابطه سیاسی برافزایش تنش و رقابت خصمانه میان دو کشور منتهی شد (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۳-۴).

عربستان در بعد منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نقشی مهم برای خود ترسیم نموده است. این کشور اعلام کرده که نگران گسترش تشیع در منطقه است و سیاست صدور انقلاب ایران را به‌عنوان تهدیدی برای همه کشورهای منطقه و به‌ویژه اعراب می‌داند. عربستان طیفی از اتهامات از بعد رسانه‌ای تا خیز سیطره منطقه‌ای در غرب آسیا و در تقابل با خود را برای اقدامات ایران بیان می‌کند (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸-۹).

با نگاهی به تاریخ روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عربی در خواهیم یافت که متغیرهای منطقه‌ای، ساختاری و سیستمی، حتی در زمان ریاست جمهوری هاشمی که شخصیتی همگرا با اعراب داشت و نیز خاتمی و روحانی که شعار تنش‌زدایی و اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی می‌دادند نیز مهم‌ترین عامل اثرگذار بر این روابط بوده است.

در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد تنش‌ها افزایش پیدا کرد. پرونده‌های هسته‌ای و عراق، پرونده لبنان و از سوی حمایت ایران از مقاومت در منطقه، اتهام ترور سفیر عربستان در آمریکا، و مهم‌تر از همه بروز تحولات جدید در منطقه از مهم‌ترین تنش‌های اخیر بین دو کشور محسوب

می‌شوند. حضور نظامی عربستان در بحرین، ورود نظامی گسترده در یمن، حمایت از حسنی مبارک حتی تا روزهای آخر حکومت او و کارشکنی در ارتباطات ایران با مصر اخوانی و از همه مهم‌تر بحران سوریه که اوج هماوردی نیابتی دو کشور طی سال‌های اخیر تلقی شد، همگی متغیرهای منطقه‌ای مهمی هستند که در نوع روابط ایران و عربستان اثرگذار هستند.

این تنش‌ها از منظر کمی و کیفی میان دو کشور، شاید از زمان جنگ تحمیلی تاکنون هیچ‌گاه به این شکل وجود نداشته است. اکنون بحران در بحرین همچنان ادامه داشته و در سوریه و جغرافیای عراق نیز گروه‌های سلفی فعال هستند. در این میان انتخاب ترامپ و حمایت همه‌جانبه او از عربستان با بستن قرارداد چند صد میلیارد دلاری و اتخاذ رویکرد تهاجمی و حمله رسانه‌ای و دیپلماتیک همه‌روزه به جمهوری اسلامی ایران، با نقض برجام و اعلام او مبنی بر لزوم عقب‌نشینی ایران از مواضع منطقه‌ای خود با برجام‌های جدید، انتشار راهبرد آمریکا درباره ایران و حمایت‌های مداوم از رژیم صهیونیستی، همراه با تکرار تغییر رژیم در ایران از سوی مقامات آمریکایی و حمایت قاطع مقامات سعودی از این مواضع، آینده روابط دو کشور را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است (برزگر، ۱۳۹۲: ۲).

آینده روابط ایران و عربستان سعودی و سناریوهای محتمل آن موضوعی است که برای پژوهش‌گران و کارگزاران سیاسی دو کشور و کشورهای مؤثر در غرب آسیا مهم است. مدیریت روابط حساس دو کشور و داشتن پیش‌آگاهی از مسیر تغییرات حاکم بر این روابط با رویکردی آینده‌نگرانه، پرداختن به مطالعات آینده‌پژوهی در این حوزه را ضروری می‌سازد. در راستای ارائه نقشه راه و چشم‌انداز برای تصمیم‌گیرندگان دستگاه‌های امنیت ملی و سیاست خارجی کشور جهت مواجهه هر چه بهتر با مخاطرات و تهدیدهای متصور از رفتار عربستان سعودی، لازم است کار پژوهشی در مورد آینده روابط دو کشور صورت پذیرد تا تصویری واقعی‌تر از این روابط ترسیم گردد. ما قصد داریم این روابط را در فاصله زمانی ۲۰۱۹-۲۰۳۰ میلادی واکاوی کنیم.

براین اساس سؤال اصلی پژوهش، شناسایی مهم‌ترین عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر آینده روابط دو کشور در افق زمانی تعیین شده است. به لحاظ اکتشافی بودن تحقیق فرضیه‌ای قابل طرح نیست و پاسخ سؤالات، به آرای نخبگان و فرایند تحلیلی انجام‌شده به روش سناریونویسی است.

مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تاکنون آثار بسیاری نوشته شده است. مجموعه مقاله‌ها و کتاب‌های بسیاری در زمینه روابط دو کشور از جنبه‌های گوناگون (تاریخی، تأثیرها، راهبردها، روابط سیاسی، رویکردها و تعارض‌ها) به نگارش درآمده است. برخی آثار داخلی و خارجی از نویسندگان و پژوهشگران به‌قرار زیر است:

اصغر جعفری ولدانی (۱۳۸۸)، پرویز نادری نسب (۱۳۸۹)، هینه بوش و احتشامی (۱۳۹۰)، علی آدمی و مجید دشتگرد (۱۳۹۰)، علی آدمی، سید محمدرضا موسوی و حسینعلی توتی (۱۳۹۰)، حسین دهشیار (۱۳۹۱)، سید محمد موسوی و رامین بخشی (۱۳۹۱)، سید امیر نیاکویی و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، محمد منصوری مقدم (۱۳۹۲)، علی‌اکبر رمضان‌زاده و محمدرضا بشارتی و سید تقی هاشمی (۱۳۹۲)، عنایت اله یزدانی و احسان شیخون (۱۳۹۲)، عباس مصلی‌نژاد (۱۳۹۲)، علیرضا ازغندی و مهدی آقا علیخانی (۱۳۹۲)، احمد ساعی و مهدی علیخانی (۱۳۹۲)، علیرضا کوهکن و سعید تجری (۱۳۹۳)، احسان حمایتیان (۱۳۹۳)، رضا سیمبر و رضا رحمدل (۱۳۹۳)، جلال میرزایی (۱۳۹۳)، افشین متقی (۱۳۹۴)، احسان خضری، سید حمزه صفوی و امین پرهیزکار (۱۳۹۴)، اصغر افتخاری و احسان نادری (۱۳۹۵)، وحید رنجبر و ارسلان قربانی و رضاسیمبر و ابراهیم حاجیانی (۱۳۹۵)، آرمینا آرم (۱۳۹۵)، رقیه جاویدی و غلامرضا بهروزی لک (۱۳۹۶)، محمدرضا حق‌شناس، سید مسعود موسوی شفائی، سیدمحمدکاظم سجادپور و محسن شریعتی نیا (۱۳۹۶)، اریل جانر (۲۰۱۲)، گروگوری گاس (۲۰۱۲)، کنت کاتزمن (۲۰۱۵)، فاطمه رضا (۲۰۱۶).

درواقع هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق بسان پژوهش حاضر، به‌طور کامل و گسترده عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر بر روابط ایران و عربستان از جنبه‌های گوناگون را، با توجه به افق زمانی ۲۰۳۰ میلادی، گردآوری نکرده و به‌طور جامع به گردآوری، تلخیص و تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با استفاده از نرم‌افزارهای ویژه‌ی آن، نپرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌های گردآوری اطلاعات به دو شکل کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در گام اول در خصوص جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق از روش‌های کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، مقاله‌ها، گفتگوها، اسناد و مدارک و مصاحبه‌ها) استفاده شده و در گام دوم، در خصوص جمع‌آوری اطلاعات از نخبگان حوزه مربوطه استفاده شده است. با مراجعه به کارشناسان و نخبگان محقق

در حوزه روابط ایران و عربستان و گرفتن نظرات ایشان، اطلاعات پیرامون متغیرها تکمیل شده است.

در این پژوهش، در ابتدا با مراجعه به نخبگان، مهم‌ترین موارد مؤثر در روابط دو کشور احصاء گردید. به این منظور از نظرسنجی عمومی جهت شناسایی پیشران‌های مؤثر بر روابط ایران و عربستان استفاده شد. در ادامه جهت رتبه‌بندی پیشران‌ها (متغیرها) توسط کارشناسان و نخبگان پرسش‌نامه‌ای تهیه شد. به‌منظور روایی (اعتبار) و اینکه پرسش‌نامه طرح‌شده تا چه اندازه معیارهای موردنظر را می‌سنجد از روش CVR^۱ (نسبت روایی محتوایی) استفاده شده است.

در این روش، از گروه نخبه خواسته شد تا هر یک از سؤالات را بر اساس طیف سه‌بخشی لیکرت گویند «ضروری است»، گویند «مفید است ولی ضروری نیست»، گویند «ضرورتی ندارد» طبقه‌بندی کنند. بدین ترتیب برای تک‌تک سؤالات پرسش‌نامه، محاسبه گردید و سؤالاتی که CVR بالاتر از نمره حدنصاب را کسب کردند، تأیید شدند و در پرسش‌نامه‌هایی مورد استفاده قرار گرفتند و سؤالاتی که نمره کم‌تر از جدول نمرات را کسب کردند از فهرست مربوط حذف شدند.

برای محاسبه ضریب پایایی، از روش موازی یا روش آزمون‌های هم‌تا^۲ استفاده شده است. برای تأیید پایایی مهم‌ترین متغیرهای استخراج‌شده از پرسش‌نامه‌ها، از تکنیک ماتریس اثرات متقاطع استفاده شد. با مقایسه مهم‌ترین متغیرهای شناسایی‌شده از طریق پرسش‌نامه‌ها و ماتریس اثرات متقاطع مشخص شد که متغیرهایی که به‌عنوان متغیرهای کلیدی، از دو طریق مختلف به دست آمدند، یکسان بوده، بنابراین پژوهش از پایایی برخوردار است.

همچنین در این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه، فهرستی از متغیرهای کلیدی مدنظر خبرگان احصاء گردید. هدف ما از این کار تحدید متغیرها از طریق خبرگان است. با توجه به این‌که بخش اعظم اعتبار و استناد پژوهش به تعیین متغیرهای کلیدی به‌دست‌آمده بستگی دارد ما نیز در تعیین متغیرها توجه و حساسیت لازم را داشتیم. به این منظور از نرم‌افزار میک مک جهت تبیین روابط میان متغیرهای کلیدی از طریق تکنیک تحلیل اثرات متقاطع^۳ استفاده نمودیم. در ادامه با استفاده از پرسش‌نامه خبرگان، برای شناسایی اثرات متقابل متغیرها و تعیین کرانه و حدود برای هر متغیر و کسب دوباره نظرات نخبگان و کارشناسان در نمره‌دهی به هر

1. Content Validity Ratio

2. Equivalence

3. Cross Impact Analysis

حالت و تأثیر آن بر دیگر حالت‌ها (تأثیر A بر B) میانگین نمرات به دست آمده را در نرم‌افزار سناریو ویزارد^۱ وارد کردیم. با استخراج نتایج از نرم‌افزار سناریو ویزارد، مواد سناریوها را در اختیار داریم. از بین سناریوهای موجود، مواردی که نمره سازگاری^۲ بیشتری دارند را انتخاب نموده و نام‌گذاری^۳ می‌کنیم. در ادامه با استفاده از مواد هر سناریو نسبت به نوشتن داستان آن اقدام نموده و به احتمال تحقق و مطلوبیت هر سناریو و نیز نسبت آن با سیاست جاری پرداختیم.

جامعه آماری این پژوهش شامل سفرا و کارداران وزارت امور خارجه در حوزه مربوط، اساتید دانشگاه در رشته‌های مرتبط با موضوع و کارشناسان حوزه روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در منطقه غرب آسیا و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. این افراد نسبت به شناخت مسائل کشورهای عربی اطلاعات کافی را داشته و تجربه زندگی در آنجا را دارا بوده و از نزدیک مسائل مربوط به جامعه و حکومت را لمس کرده‌اند. جهت تعیین حجم نمونه جامعه آماری، از فرمول شارل کوکران و به روش انتخابی حجم نمونه خوشه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری احصاء شده شامل ۸۱ نفر بوده که تعداد ۳۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

از شاخص‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های دموگرافیک پاسخ‌دهندگان استفاده شده است. فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس سابقه فعالیت حرفه‌ای و تحصیلات و دانش مرتبط مورد بررسی قرار گرفته است: از نظر سابقه فعالیت دو نفر سفیر، هفت نفر کاردار، هشت نفر کارشناس و مشاور در وزارت خارجه و بخش‌های مرتبط دیگر در دولت، شش نفر مرتبط با مجلس شورای اسلامی و نه نفر استاد دانشگاه و نخبگان موضوع که در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، بوده‌اند. بر اساس تحصیلات نیز از این تعداد ۱۹ نفر دارای مدرک دکترا و ۱۳ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند.

بطور کلی تفکر نیازمند زبان مشخصی است تا به‌وسیله آن فرمول‌بندی شود. برنامه‌ریز احتیاج به ابزاری دارد تا بتواند آینده را در قالب عناصر قابل پیش‌بینی و عدم قطعیت‌ها بیان کند. این ابزار همان سناریوها هستند. به‌طور منطقی اگر آینده مملو از عدم قطعیت و وضعیت‌های نامعلوم است، پس آینده‌های قابل‌باوری که احتمال رخداد برابری دارند نیز در بین آن‌ها وجود دارند. سناریوها این آینده‌ها را بیان کرده و روایت‌های بدیلی درباره موقعیت مرتبط آینده ارائه می‌دهند... (Fahey, 1998: 44)

1. Scenario Wizard

2. Consistency

3. Labeling

سناریو^۱، به داستان‌های مربوط به آینده‌های باورپذیر متعدد، که یک دولت، سازمان یا شرکت احتمالاً با آن‌ها مواجه خواهد شد گفته می‌شود. سناریوها به صورت نموداری، پویا و متحرک، جریان تحول و پیدایش دنیای آینده را نمایش می‌دهند. سناریوها موجب تمرکز توجه ما بر روی نقاط انشعاب مسیر آینده و پیش‌آمدهای بالقوه در این مسیر می‌شوند (اسلاتر، ۱۳۸۹: ۳۹). استفاده روزافزون از این روش بدین دلیل است که سناریوها، پیچیدگی‌های جهان واقعی را در نظر می‌گیرند و بینش‌های جایگزین در خصوص آینده را، با ترتیبی منطقی از رویدادها بازنمایی می‌کنند. سناریوها تصاویر آینده‌هایی ممکن هستند که ترتیب منطقی رویدادها را نشان می‌دهند (ناظمی، ۱۳۸۷: ۵).

نرم‌افزار Scenariowizard برای انجام محاسبات پیچیده سناریونویسی طراحی شده است. پس از انتخاب عوامل کلیدی، هریک از عوامل به وضعیت‌های مختلف طبقه‌بندی شده و این وضعیت‌های مختلف طبقه‌بندی شده و این وضعیت‌ها برای تمام عوامل کلیدی به صورت ماتریسی در اختیار متخصصین توسعه قرار می‌گیرد. در این پرسش‌نامه، وضعیت‌ها می‌توانند تأثیرگذاری منفی را نشان دهند و اعداد پرسش‌نامه از ۳ تا -۳ متغیر است. سؤال اصلی و محوری این پرسش‌نامه این است که «اگر وضعیت A1 از عامل کلیدی A روی دهد، چه تأثیری بر وقوع یا عدم وقوع وضعیت B1 از عامل کلیدی B خواهد داشت. پاسخ این پرسش به صورت طیفی از اعداد صحیح +۳ تا -۳ درج شده و درنهایت، در نرم‌افزار تحلیل می‌شود. تکنیک تحلیلی این نرم‌افزار به CIB1 معروف است و هدف آن بهینه‌سازی سناریوها و قابل اطمینان کردن آن‌ها است (زالی، ۱۳۹۰).

ما در این پژوهش از روش سناریونویسی با رویکرد اکتشافی مبتنی بر تحلیل تأثیرات متقابل استفاده می‌کنیم. ما در رویکردی آینده‌نگرانه در پی مطالعه متغیرهای شکل‌دهنده ارتباطات دو کشور و شناسایی متغیرهایی با بیشترین تأثیرگذاری هستیم؛ اما به لحاظ تکنیک‌های جمع‌آوری، از تکنیک‌های متعدد و مرکبی بامطالعه اسنادی، مصاحبه و محاسبات و تکنیک‌های نرم‌افزاری استفاده شده است؛ بنابراین به لحاظ تعدد شیوه‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها نمی‌توان اظهار نظر کلی و واحد درباره کمی یا کیفی بودن روش پژوهش ارائه داد، هرچند که داده‌های اولیه ما کیفی است. در حقیقت روش تحقیق، شامل طیفی از روش‌های ترکیبی است.

^۱. Scenario

ترکیب بهینه انواع روش‌های کمی و کیفی تا حد زیادی باعث توسعه و تعمیق محصولات پیش‌بینی خواهد شد و با کمک تحلیل کیفی شامل پنل خبرگان متغیرهای مناسب برای پیش‌بینی شناسایی می‌شوند (حاجیانی، ۱۳۹۰). به همین منظور، در این پژوهش بعد از مرور منابع به جهت کشف ابتدایی متغیرهای کلیدی و پیشران‌ها، از ترکیبی از مصاحبه حضوری، تحلیل ماتریس متقاطع یا همان میک مک^۱ و نیز سناریونویسی استفاده شده است. به دلیل اینکه هسته تمامی روش‌های به کاررفته در این فرایند پژوهش، مبتنی بر آرای خبرگان است، حساسیت و محدودیت توجیه‌پذیری در انتخاب خبرگان بر اساس دو مؤلفه سابقه فعالیت حرفه‌ای و تحصیلات و دانش مرتبط با حوزه مورد مطالعه اعمال شده است. این تحقیق از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی و بر اساس روش گردآوری داده‌ها، اسنادی و پیمایشی است. همچنین این پژوهش، اهداف اکتشافی را دنبال می‌نماید.

شناخت موضوع و تصمیم اصلی، شناسایی عوامل کلیدی، شناسایی نیروهای پیشران کلیدی، طبقه‌بندی بر اساس اهمیت و عدم قطعیت، انتخاب منطق سناریوها، تدوین سناریوها، تحلیل پیامدها و نتایج هر سناریو و انتخاب نشانگرهای راهبردی، گام‌های هشت‌گانه در یک فرآیند سناریونویسی هستند. شناسایی عوامل کلیدی و پیشران‌ها از اصلی‌ترین و محوری‌ترین مراحل این فرآیند و در جهت برنامه‌ریزی بر پایه سناریو است (زالی، ۱۳۹۱: ۵). در ادامه سناریوهای ممکن در روابط دو کشور را به رشته تحریر درآورده و به ارزیابی آن‌ها می‌پردازیم.

بعد از این که متغیرهای مؤثر بر روابط دو کشور را احصاء نمودیم لازم است که این متغیرها تحدید و تجمیع شوند. به منظور شناسایی متغیرهای کلیدی پرسش‌نامه‌ای تهیه نموده و از کارشناسان مرتبط با موضوع در چند مرحله نظرسنجی نموده و نظرهای آن‌ها را جمع‌بندی نمودیم. در مرحله اول متغیرها از ۴۰۵ مورد به ۶۰ مورد و در مرحله بعد به ۱۷ مورد کاهش یافتند (جدول شماره یک).

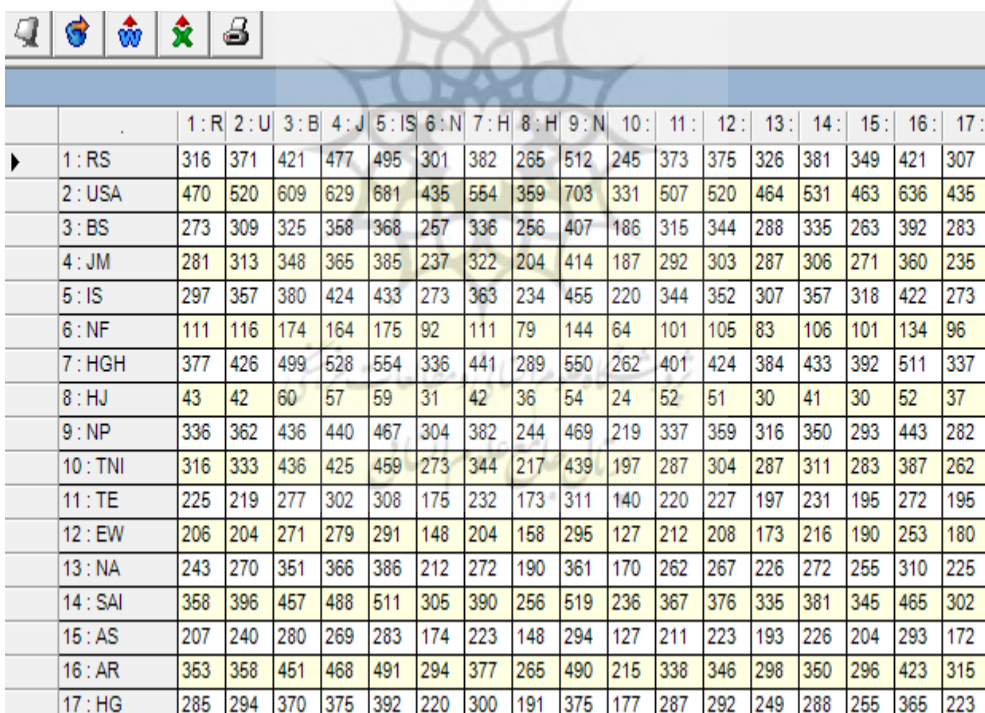
جدول (۱) عوامل کلیدی (۱۷ مورد)

حمایت نظامی و سیاسی آمریکا و غرب از سعودی	ناپایداری محیط امنیتی غرب آسیا	کسب برتری منطقه‌ای (هژمونی)	میزان فروش و قیمت نفت	رهبری ایران و سپاه (نگرش رهبران)
بن سلمان و حکام سعودی (نگرش رهبران)	ائتلاف کشورهای عربی (ناتوی عربی)	تفکر انقلاب اسلامی (گسترش و عمق‌بخشی)	ترامپ و دولت آمریکا	ایدئولوژی وهابیت

¹ Micmac

محکومیت حقوق بشری	مسئله فلسطین و رژیم اسرائیل	توانایی هسته‌ای و نظامی ایران	حرمین شریفین و حج	جبهه و دولت‌های مقاومت و حزب‌الله
			عملیات روانی رسانه‌ها	امنیت صادرات انرژی

در ادامه با استفاده از تکنیک تحلیل تأثیر متقابل^۱ در قالب یک ماتریس ۱۷*۱۷ که اثر سطر بر ستون (تأثیر هر متغیر افقی بر متغیرهای عمودی با نمره صفر تا ۴) را می‌سنجد از کارشناسان حوزه مربوط نظرسنجی نمودیم. نتایج به‌دست‌آمده را جمع‌بندی نموده و نتیجه را به نرم‌افزار میک مک (Mic Mac) منتقل نمودیم (شکل شماره ۱).

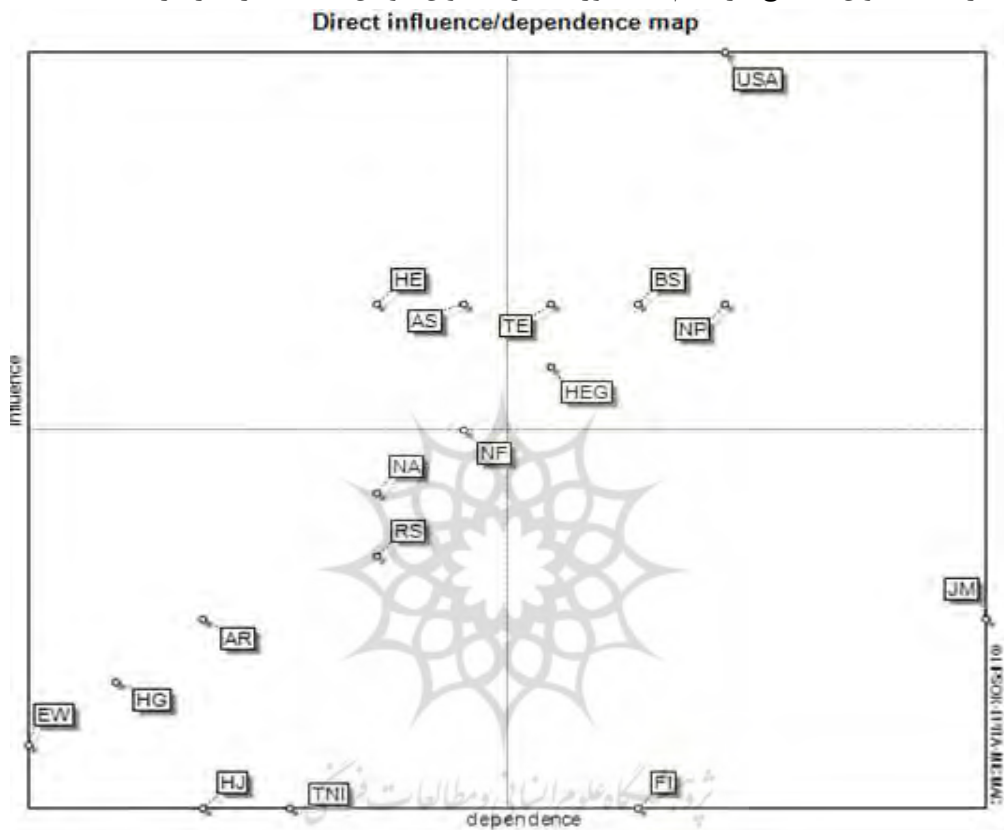


	1: R	2: U	3: B	4: J	5: IS	6: N	7: H	8: H	9: N	10:	11:	12:	13:	14:	15:	16:	17:
1: RS	316	371	421	477	495	301	382	265	512	245	373	375	326	381	349	421	307
2: USA	470	520	609	629	681	435	554	359	703	331	507	520	464	531	463	636	435
3: BS	273	309	325	358	368	257	336	256	407	186	315	344	288	335	263	392	283
4: JM	281	313	348	365	385	237	322	204	414	187	292	303	287	306	271	360	235
5: IS	297	357	380	424	433	273	363	234	455	220	344	352	307	357	318	422	273
6: NF	111	116	174	164	175	92	111	79	144	64	101	105	83	106	101	134	96
7: HGH	377	426	499	528	554	336	441	289	550	262	401	424	384	433	392	511	337
8: HJ	43	42	60	57	59	31	42	36	54	24	52	51	30	41	30	52	37
9: NP	336	362	436	440	467	304	382	244	469	219	337	359	316	350	293	443	282
10: TNI	316	333	436	425	459	273	344	217	439	197	287	304	287	311	283	387	262
11: TE	225	219	277	302	308	175	232	173	311	140	220	227	197	231	195	272	195
12: EW	206	204	271	279	291	148	204	158	295	127	212	208	173	216	190	253	180
13: NA	243	270	351	366	386	212	272	190	361	170	262	267	226	272	255	310	225
14: SAI	358	396	457	488	511	305	390	256	519	236	367	376	335	381	345	465	302
15: AS	207	240	280	269	283	174	223	148	294	127	211	223	193	226	204	293	172
16: AR	353	358	451	468	491	294	377	265	490	215	338	346	298	350	296	423	315
17: HG	285	294	370	375	392	220	300	191	375	177	287	292	249	288	255	365	223

شکل (۱) نمرات ماتریس ۱۷*۱۷ مستخرج از نرم‌افزار میک مک

^۱. Cross Impact Analysis

همان‌گونه که در شکل شماره (۲) نشان داده شده است، نه پیشرانی که در اواسط بردارهای افقی و عمودی قرار گرفته‌اند به‌عنوان متغیرهای کلیدی و تنظیم‌گر^۱ شناخته می‌شوند که ما آن‌ها را در هفت عنوان تجمیع کرده‌ایم. ۱۰ مورد دیگر به‌عنوان عوامل کلیدی در نظر گرفته شدند.



شکل (۲) نقشه تأثیرگذاری مستقیم و استقلال متغیرها

این متغیرها سطح تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متوسطی داشته و امکان کاربرد و تنظیم‌گری^۲ فراوانی در آینده موضوع مورد بررسی ما خواهند داشت به عبارتی نه تأثیرگذاری مطلق دارند و نه به‌طور کامل تأثیرپذیر و بی‌اراده‌اند. ما آن‌ها را در هفت عنوان پیشران زیر جمع کرده‌ایم: ۱- حمایت سیاسی و نظامی آمریکا و کشورهای غربی از عربستان (HE) ۲- ناپایداری محیط امنیتی در منطقه غرب آسیا (یمن، عراق، سوریه، بحرین و...) (NP) ۳- نگرش رهبران دو کشور به روابط دوجانبه (NEG) ۴- قیمت نفت و امنیت صادرات انرژی (NF) ۵- ائتلاف نظامی کشورهای عربی

^۱. Regulator

^۲. Regulatory

با محوریت عربستان (ناتوی عربی) (NA) ۶- قدرت نرم جمهوری اسلامی و گسترش تفکر و ایدئولوژی انقلاب اسلامی (TE) ۷- کسب برتری (هژمونی) منطقه‌ای (HEG) ما این پیشران‌ها را به‌عنوان متغیرهای اصلی در سناریونویسی در کنار دیگر عوامل کلیدی مورد استفاده قرار می‌دهیم.

یافته‌های پژوهش

در این بخش با داده‌های به‌دست‌آمده، مقدمات لازم برای تجزیه و تحلیل داده‌ها فراهم گردیده که در قالب طراحی سناریوها قابل‌ارائه است. در سناریونویسی باید توجه نمود که چگونه پیشران‌ها و عوامل کلیدی در ارتباط باهمدیگر به سناریوهای ممکن و محتمل می‌انجامد. همچنین برخی متغیرها که باهمدیگر ارتباطات تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده دارند، وقتی کنار همدیگر قرار بگیرند، سناریوی خاصی را به وجود می‌آورند. این وضعیت با تغییرات اندک در سایر ویژگی‌های هر یک از پیشران و عوامل کلیدی، به شکل‌گیری سناریوهای جدیدی می‌انجامد که میزان و تعداد آن‌ها به درجه تغییرات هر یک از عوامل اصلی در آینده بستگی دارد. پس از انتخاب پیشران‌ها، هر یک از آن‌ها به وضعیت‌های مختلف طبقه‌بندی شدند و برای هر کدام حد و کرانه تعریف می‌کنیم. کرانه‌های یک مورد به معنای لحاظ نمودن جمیع حالات ممکن در آینده برای آن پیشران است. به‌عبارت‌دیگر هر یک از متغیرها به وضعیت‌های مختلف طبقه‌بندی شده و این وضعیت‌ها با توجه به افق زمانی ۲۰۳۰ میلادی در روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، به‌صورت ماتریسی خام در اختیار نخبگان و کارشناسان مربوط قرار می‌گیرد. از نخبگان خواسته می‌شود تا نسبت به حالت‌های مختلف متصور برای هر یک، نمره‌ای (بین -۳ تا +۳) وارد کنند (تأثیر هر متغیر افقی بر متغیرهای عمودی را نمره دهند). در جدول زیر پیشران‌ها و وضعیت احتمالی آن‌ها به نمایش درآمده است:

جدول (۲) جدول پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها

نام عامل اختصاری	پیشران	وضعیت	شرح وضعیت
A	حمایت سیاسی - نظامی آمریکا و غرب از عربستان	A1	حمایت سیاسی - نظامی آمریکا و خواهد یافت
		A2	حمایت سیاسی - نظامی آمریکا و غرب از عربستان در سطح کنونی باقی می‌ماند

حمایت سیاسی - نظامی آمریکا و غرب از عربستان کاهش (حذف) خواهد یافت	A3		
محیط منطقه‌ای پایدار و باثبات خواهد شد (ناپایداری کمتر)	B1	ناپایداری محیط امنیتی غرب آسیا	B
ناپایداری محیط تغییری نخواهد کرد (وضع کنونی)	B2		
محیط منطقه‌ای ناپایدارتر خواهد شد (ناپایداری بیشتر)	B3		
نگرش‌ها مثبت می‌شود (نگاه انبساطی)(اقتصادسازی و تعامل)	C1	نگرش حاکمان ایران و عربستان به رابطه دوجانبه	C
نگرش‌ها در همین سطح ادامه می‌یابد	C2		
نگرش‌ها به سمت تقابل بیشتر می‌شود (نگاه انقباضی)	C3		
افزایش درآمد نفتی	D1	قیمت نفت و امنیت صادرات انرژی	D
به خطر افتادن مسیره‌های صدور انرژی	D2		
کاهش درآمد نفتی	D3		
به‌سوی تشکیل ناتوی عربی (حداکثر ائتلاف)	E1	ناتوی عربی	E
سست شدن (فروپاشی) ائتلاف‌های کنونی با سعودی	E2		
کاهش قدرت نرم ایران	F1	قدرت نرم ج.ا.ا و گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی	F
افزایش قدرت نرم ایران	F2		
تقویت جبهه عربی - غربی	G1	کسب برتری منطقه‌ای	G
مهار / موازنه دو جبهه (مقاومت در مقابل عربی-غربی)	G2		
تقویت جبهه ایران و مقاومت	G3		
درگیری نظامی دو کشور باهم (محدود یا گسترده)	G4		

با مشخص شدن قضاوت‌های کمی شده خبرگان درباره رابطه حالت‌های مختلف متغیرها با یکدیگر، ماتریس اثرات متقابل آن‌ها شکل می‌گیرد که مبنای تحلیل نرم‌افزاری برای ساخت سناریوها و اولویت‌بندی آن‌هاست.

جدول (۳) جدول ترجیحات قضاوتی

نوع اثر	اثرات تضعیف کننده قوی	اثرات تضعیف کننده متوسط	اثرات تضعیف کننده	بدون تأثیر	اثرات تضعیف کننده ضعیف	اثرات تقویت کننده متوسط	اثرات تقویت کننده قوی
نمره	-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳

در ادامه نظرات نخبگان را جمع‌بندی و معدل‌گیری نموده و نمرات را وارد نرم‌افزار سناریو ویزارد می‌کنیم. شکل (۳) نتیجه نهایی به‌دست‌آمده از نرم‌افزار سناریو ویزارد است:

Cross-Impact-Matrix																				
2891396...																				
A. HEMAYAT:																				
-A1 AFZ		1	-1	-2	-1	0	1	0	-1	0	1	-1	0	1	2	2	-1	0		
-A2 SA		0	1	1	0	1	1	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0		
-A3 KA		2	0	-1	1	0	-1	0	0	0	1	0	0	0	-2	0	1	0		
B. NAPAYDARI:																				
-B1 KA	-1	1	1		1	0	-1	0	-1	0	-1	2	0	-1	1	1	0	-1		
-B2 SA	0	1	0		0	1	1	0	0	0	1	-1	-1	1	-1	-1	1	1		
-B3 AF	1	-1	-1		-2	-1	2	0	1	0	2	-2	-2	2	-2	-1	1	1		
C. NEGARESH:																				
-C1 BEH	0	0	0	1	-1	-1		0	0	0	-1	0	2	-2	0	0	0	-2		
-C2 SA	0	0	0	-1	1	1		0	0	0	1	-1	-1	1	0	0	0	0		
-C3 BAD	0	0	0	-1	1	1		0	0	0	1	-2	-1	1	0	0	0	2		
D. NAFT:																				
-D1 AF	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1	0		
-D2 KHA	1	-1	-1	-2	-2	3	-1	-1	2		1	0	0	0	1	1	0	1		
-D3 KA	0	1	0	0	0	0	0	0	0		0	0	0	0	-1	0	-1	0		
E. ETELAFAHA:																				
-E1 NAT	0	0	0	1	-1	-1	-1	1	1	0	0	0	0	0	1	-1	2	1	0	1
-E2 SOS	1	-1	-1	-1	1	2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	-2	-1	1	-2
F. NEGARANI:																				
-F1 KA	0	0	0	0	0	0	2	-1	-1	0	0	0	-1	0		0	0	1	0	
-F2 AF	1	1	-1	-1	1	1	-1	1	1	0	0	0	1	0		0	1	-1	1	
G. HEGEMONY:																				
-G1 TGA	1	1	1	2	1	1	2	1	1	1	1	1	1	1	0	0				

شکل (۳) ماتریس اثرات متقابل پیش‌ران‌ها در سناریو ویزارد

نرم‌افزار عناصر ۲۴ سناریو را در اختیار ما می‌گذارد که از میان این سناریوها، مواردی که شبیه بودند را حذف نموده و در نهایت تعداد سه سناریو قابل قبول تعیین شدند. سناریوهایی که بیشترین احتمال تحقق را دارند نمره سازگاری آن‌ها بالاتر بود.

جدول (۴) سناریوهای مستخرج از نرم‌افزار سناریو ویزارد

شماره سناریو	نام انتخابی هر سناریو	اجزاء هر سناریو
S 1	پایان تردیدها	A1 حمایت سیاسی- نظامی آمریکا و غرب از عربستان افزایش خواهد یافت B3 محیط منطقه‌ای ناپایدارتر خواهد شد (ناپایداری بیشتر) C3 نگرش‌ها به سمت تقابل بیشتر می‌رود (نگاه انقباضی) D2 به خطر افتادن مسیرهای صدور انرژی E1 به‌سوی تشکیل ناتوی عربی (حداکثر ائتلاف) F2 افزایش قدرت نرم ایران G4 درگیری نظامی دو کشور باهم (محدود یا گسترده)
S 2	آشوب سازنده	A1 حمایت سیاسی- نظامی آمریکا و غرب از عربستان افزایش خواهد یافت B3 محیط منطقه‌ای ناپایدارتر خواهد شد (ناپایداری بیشتر) C3 نگرش‌ها به سمت تقابل بیشتر می‌رود (نگاه انقباضی) D1 افزایش درآمد نفتی E1 به‌سوی تشکیل ناتوی عربی (حداکثر ائتلاف) F2 افزایش قدرت نرم ایران G3 تقویت جبهه ایران و مقاومت
S 3	ایستاده با مشت	A2 حمایت سیاسی- نظامی آمریکا و غرب از عربستان در سطح کنونی باقی می‌ماند B1 محیط منطقه‌ای پایدار و باثبات خواهد شد (ناپایداری کمتر) C2 نگرش‌ها در سطح کنونی ادامه می‌یابد D3 کاهش درآمد نفتی E2 سست شدن (فروپاشی) ائتلاف‌های کنونی با سعودی F1 کاهش قدرت نرم ایران G2 مهار/ موازنه دو جبهه (مقاومت در مقابل عربی-غربی)

نگارش سناریوها

با دریافت و تجمیع نظرات کارشناسان و نخبگان و استفاده از عناصری که برای سناریوها توسط نرم‌افزار به ما داده شد اقدام به نگارش داستان هر سناریو می‌کنیم. لازم به ذکر است که داستان هر سناریو باید به‌صورت جذاب و با استفاده از مواد به‌دست‌آمده در جدول عناصر و با چاشنی تخیل و تصور خود در سال ۲۰۳۰ میلادی نگاشته شود.

الف) سناریوی پایان تردیدها

این سناریو روایت رویارویی دو جبهه مقاومت و جبهه غربی-عربی با نمایندگی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است. با تیره شدن بیشتر روابط دو کشور و بدبینی مسئولین دو کشور

و حمایت عربستان از گروه‌های سلفی در محیط غرب آسیا و شمال آفریقا (عراق، سوریه، افغانستان، مصر، لیبی، سودان و ...) محیط امنیتی منطقه به سمت ناپایداری و بحرانی شدن پیش رفته است. این امر بهانه حضور نظامی بیشتر آمریکا و کشورهای غرب در منطقه به‌ویژه محیط خلیج فارس، دریای سرخ و شرق مدیترانه را فراهم کرده است. با افزایش حملات رسانه‌ای و مواضع تند مراکز حقوق بشری و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی و فشار به رهبران گروه‌های مقاومت در کشورهای عضو جبهه مقاومت و پاسخ متقابل از طرف ایران و جبهه مقاومت اوضاع متشنج شده است. عربستان با حمایت ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه و پشتیبانی رژیم صهیونیستی حملات نظامی محدودی را از جایی غیر از عربستان، به‌منظور تحریک ایران به ورود و شروع یک جنگ فراگیر را آغاز نموده است. ایران متقابلاً پاسخ موشکی به نقاطی که از آنجا شلیک انجام شده، داده است. رسانه‌های جبهه غربی و عربی، آغازکننده حمله را ایران معرفی نموده و به ایران هراسی و شیعه هراسی گسترده دست زدند و ایدئولوژی انقلاب اسلامی را ریشه اصلی بحران اعلام کرده‌اند. روند تشکیل ناتوی عربی با محوریت عربستان تسریع شده است. قطعنامه پیشنهادی آمریکا در شورای امنیت ذیل بند هفتم با درخواست از ایران جهت پایان درگیری‌ها به رأی گذاشته شده که با توی روسیه و چین روبرو شده است. بیانیه جنبش عدم تعهد از طرفین خواسته است به سازوکار حقوق بین‌الملل پایبند بوده و خویشتن‌داری نمایند. کشورها و گروه‌های جبهه مقاومت با اعلام حمایت کامل خود از ایران، آمادگی خود را جهت مقابله با عربستان و جبهه غربی اعلام داشته‌اند. ترکیه و پاکستان حمایت خود را از مواضع ایران اعلام کرده‌اند. رزمایش مشترک پنج کشور ایران، عراق، سوریه، یمن و روسیه و با شرکت گروه‌ها و احزاب جبهه مقاومت در جنوب غربی عراق و جنوب شرق سوریه و بخش‌هایی از استان‌های غربی و جنوبی ایران برگزار شده است. هم‌زمان رزمایش آمریکا، فرانسه، انگلیس و کشورهای عربستان و امارات با حضور یگان‌هایی از رژیم صهیونیستی در خلیج فارس، دریای عمان و دریای سرخ برگزار شده است. به رویارویی دو جبهه نزدیک شده‌ایم.

ب) سناریوی آشوب سازنده

این سناریو با افزایش حمایت‌های سیاسی - نظامی ایالات متحده آمریکا و غرب از عربستان سعودی آغاز می‌شود. آمریکا حضورش در سوریه، عراق، افغانستان و خلیج فارس را بدون توجه به قواعد بین‌المللی و نظر مخالف کشورهای منطقه افزایش داده است. هم‌زمان القاعده و طالبان قدرتی مجدد یافته و داعش بخش‌هایی از افغانستان و لیبی و آسیای میانه را اشغال نموده است. محیط

خلیج فارس دچار درگیری شدید شده و ناپایداری محیط غرب آسیا به سمت بحرانی تر شدن رفته است. جبهه مقاومت و ایران به جهت جلوگیری از توسعه کشتار توسط گروه‌های سلفی تکفیری مورد حمایت سعودی، در مناطق جدید درگیر حضور یافته‌اند که این حضور از سوی رسانه‌های غرب، توسعه‌طلبی ایران نام‌گرفته است. ایران با روسیه، چین، هند و برخی کشورهای شرق آسیا تعامل بیشتری نموده و درآمدهای نفتی خود را بیشتر کرده است. اکنون عربستان و حامیانش روند تشکیل ناتوی عربی را تسریع نموده است. تمرکز تبلیغات و عملیات روانی رسانه‌های غربی و عربی بر گسترش تفکر و ایدئولوژی انقلاب اسلامی، افزایش چشمگیری یافته است. در این وضعیت، نفوذ ایران در کشورهای غرب جغرافیای خود (عراق، سوریه، لبنان و فلسطین)، در شرق (افغانستان و پاکستان) و شمال شرق (ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان) و جنوب (بعضی کشورهای عربی جنوب خلیج فارس) نیز گسترش چشمگیری یافته است. می‌توان گفت جبهه انقلاب اسلامی گسترش زیادی یافته است. دولتی که در ایران بارأی بالای مردمی قدرت اجرایی را در دست گرفته است معتقد به گفتمان انقلاب اسلامی و گسترش و عمق‌بخشی فعالانه ارزش‌های انقلابی و سیاست خارجی فعال معتقد به گفتمان مقاومت، همراه با کارآمدی بالا در عرصه داخلی و ساختن جامعه‌ای الگو برای دیگر کشورهای اسلامی است. نفوذ معنوی و الگوسازی جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای به سطح بسیار بالایی رسیده و جبهه مقابل در موضع پدافندی قرار گرفته است.

د) سناریوی ایستاده با مشت

این سناریو می‌گوید در چشم‌انداز ۲۰۳۰ میلادی شاهد توازن در روابط دو کشور بوده و دو جبهه به توازن قوا رسیده‌اند. این سناریو فروکش کردن درگیری‌ها بدون فراموشی آن‌ها را روایت می‌کند. سطح سیاست‌های حمایتی ایالات متحده آمریکا و غرب از عربستان سعودی افزایش نیافته و محیط امنیتی غرب آسیا با افول گروه‌های سلفی-تکفیری و حل بحران یمن (مسکوت ماندن درگیری‌ها و تثبیت قدرت انصار الله) به سمت کاهش ناپایداری رفته است. نگرش رهبران و مسئولان دو کشور در سطح کنونی آن (نگرش غیر همکاری جویانه و غیر درگیر) باقی‌مانده است. عربستان رؤیاهای خود در تسلط بر جهان اسلام و غرب آسیا را با دلارهای نفتی و با ائتلاف‌سازی اعراب پیگیری کرده است. با همکاری عربستان و کشورهای غربی حامی آن، درآمدهای نفتی ایران با تحریم‌های بیشتر کاهش یافته است. با اتخاذ سیاست عدم گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی و عدم پیگیری نقش منطقه‌ای فعال توسط دولت ایران، عربستان از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران اعلام رضایت نموده و با سرعت هر چه بیشتر به ترویج الگو و ایدئولوژی موردنظر

خود (اسلام وهابی سلفی) اقدام کرده است. پیشروی‌های جبهه مقاومت که از سال ۲۰۱۲ شروع شده بود در دهه سوم قرن ۲۱ به‌کندی گراییده است. با شرایط یادشده در افق ۲۰۳۰ میلادی، دو جبهه به توازن رسیده‌اند.

بررسی سناریوها

سناریوهای نگاشته شده را به رؤیت جمع خبرگانی رسانیده و احتمال تحقق و مطلوبیت هر سناریو برای جمهوری اسلامی ایران و درنهایت نسبت هر سناریو با سیاست‌های جاری جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نمره سازگاری سناریوها را از نرم‌افزار می‌گیریم. دیگر نمرات به‌طور انتخابی و توسط محققین تعیین شده است.

جدول (۵) بررسی سناریوها

نام سناریو	احتمال تحقق (نمره ۰-۳)	مطلوبیت سناریو برای جمهوری اسلامی ایران (نمره ۰-۳)	بررسی نسبت هر سناریو با سیاست جاری جمهوری اسلامی ایران (نمره ۰-۳)
پایان تردیده‌ها	۱	۰	۱
آشوب سازنده	۳	۲	۱
ایستاده با مشت	۲	۱	۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جهت پیش‌بینی آینده روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در افق زمانی ۲۰۳۰ میلادی، پیشران‌های مؤثر و عوامل کلیدی در روابط دو کشور را با استفاده از مصاحبه با خبرگان و نرم‌افزار میک مک، شناسایی کردیم. مهم‌ترین پیشران‌ها را می‌توان حمایت کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا از عربستان سعودی و نگرش رهبران دو کشور و نیز عزم آن‌ها در تشکیل ائتلاف‌ها و تقویت و گسترش دو جبهه ذکر کرد. در ادامه با استفاده از نظرات نخبگان و کارشناسان حوزه روابط دو کشور، و با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد تعداد ۲۴ سناریو مشخص گردید که موارد مشابه و کم‌اهمیت حذف شده و درنهایت تعداد سه سناریو با نمره سازگاری بالا و قابل قبول تعیین شدند. اجزاء هر سناریو توسط نرم‌افزار ارائه شده و با آن‌ها داستان

سناریوهای سه‌گانه روایت گردید. سناریوها نام‌گذاری شدند و نمره سازگاری به‌دست‌آمده توسط نرم‌افزار درج گردید. سپس احتمال تحقق و مطلوبیت هر سناریو و نیز نسبت هر سناریو با سیاست جاری جمهوری اسلامی ایران با نمره‌دهی در یک جدول تعیین شد.

پیشروی فزاینده محور مقاومت (سناریوی آشوب سازنده) و یا توازن دو جبهه (سناریوی ایستاده با مشت) بالاترین احتمال را در سال ۲۰۳۰ میلادی خواهند داشت. این پیش‌بینی شامل شگفتی‌سازها در روابط دو کشور نخواهد بود. روابط دو کشور به سمت بهبود و تنش کم‌تر نخواهد رفت. نگرش رهبران دو کشور به همدیگر بدتر خواهد شد. حمایت غرب و ایالات‌متحده آمریکا از عربستان سعودی کم‌تر از سطح کنونی نخواهد بود؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید سیاست نگاه به شرق به‌ویژه روابط مستحکم‌تر با چین، روسیه، هند، پاکستان و نیز ترکیه را در پیش بگیرد و فعالانه در پیمان شانگهای شرکت یافته، مؤتلفین جدیدی در بین اعراب بیابد و جایگاه گروه‌های حامی‌اش (در محور مقاومت) را در محیط جغرافیایی‌شان مستحکم کند. ایران باید به بودجه و قدرت نظامی‌اش توجه بیشتری بنماید. جمهوری اسلامی ایران باید با برآمدن دولتی با گفتمان انقلابی و کارآمد، قدرت نرم خود را تعمیق بخشد؛ این به معنای آسوده‌خاطر بودن مسئولان از تنش‌های داخلی خواهد بود چون برخی از طرح‌های جبهه مقابل بر ناامن‌سازی داخلی جمهوری اسلامی ایران و مشغول شدن مسئولان به آن استوار خواهد بود. گروه‌های سلفی-تکفیری بیشتری توسط جبهه عربستان تشکیل و تجهیز شده (تکثیر داعش) و در مناطق دیگر آسیا همچون افغانستان، پاکستان، آسیای مرکزی و صحرای سینا و نیز شمال آفریقا شروع بکار خواهند کرد که هم‌زمان حضور ایران و محور مقاومت را جهت مقابله، در پی خواهد داشت. ائتلاف‌های عربی با محوریت عربستان سعودی به سمت استحکام هرچه بیشتر (ناتوی عربی) خواهد رفت. هم‌زمان جمهوری اسلامی ایران هم باید ائتلاف‌هایی در دو سطح منطقه‌ای و آسیایی تشکیل دهد. شواهد حاکی از این است که چشم‌انداز زمانی نزدیکی برای حل این تنش‌ها متصور نیست. از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر مواضع عربستان حمایت‌های غرب به‌ویژه آمریکا خواهد بود. پس می‌توان اظهار نمود که افول هژمونی آمریکا و کاهش حمایت آن از عربستان می‌تواند پیشران تحولات عمیق در رابطه طرفین باشد.

واقعیت این است که ایران و عربستان نماینده دو گونه فکری‌اند، دو گونه تمدنی که شاید بتوانند کم‌تر با یکدیگر دچار تنش شوند اما صفر شدن این تنش‌ها، مشروط به تغییرات گسترده در مبانی فکری و هویتی آنان است، امری که در شرایط کنونی بعید به نظر می‌رسد.

منابع

- اسدی، بیژن. (۱۳۷۹). ایران و خلیج فارس: سیاست تنش زدایی، گفتگوی تمدن‌ها، مناسبات جدید و صلح و امنیت منطقه، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹.
- اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۷). سیاست خارجی نوین عربستان سعودی؛ پیامدها برای قدرت منطقه‌ای ایران، فصلنامه افق آینده‌پژوهی راهبردی، اردیبهشت ۱۳۹۷.
- اسلاتر، ریچارد. (۱۳۸۹). دانشنامه آینده‌پژوهی، تهران: ترجمه مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، جلد اول، ۱۳۸۹.
- برزگر، کیهان. (۱۳۹۲). روابط ایران و عربستان در دوران روحانی، وبگاه دنیای اقتصاد، در دسترس از: <https://donya-e-qtasad.com/742066/64/>.
- بوزان، بری. و الی ویور. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل، ترجمه رحمن قهرمان‌پور، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهاری، مجتبی. (۱۳۹۱). مجموعه کتابچه‌های آموزشی آینده‌پژوهی: کتاب سوم: روش سناریو، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- پدرام، عبدالرحیم. و همکاران. (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی: مفاهیم و روش‌ها، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۴). کار ویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴، صص ۲۷-۵۰.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۰). معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹، تابستان ۱۳۹۰.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۶). جزوه کلاسی دکتري مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- دهشیری، محمدرضا. و حسینی، سید محمدحسین. (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵.

- زالی، نادر. (۱۳۹۰). آینده‌نگاری راهبردی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای با رویکرد سناریونویسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۵۴.
- زالی، نادر. (۱۳۹۱). آینده‌نگاری راهبردی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شفیعی، صادق. و منتظر القائم، اصغر. و چلونگر، محمدعلی. (۱۳۹۶). واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، سال نهم، شماره یکم، بهار ۱۳۹۶.
- کوهن، ساموئل برنارد. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ناظمی، امیر. و قدیری، روح‌الله. (۱۳۸۷). آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا، تهران: انتشارات وزارت صنایع و معادن، مرکز صنایع نوین.
- یانگ، جان. (۱۳۸۴). جنگ سرد، صلح سرد: روابط آمریکا و روسیه ۱۹۴۱-۱۹۹۸، ترجمه عزت‌الله عزتی و محبوبه بیات، تهران: انتشارات قومس.
- Asan, S.S. & Umut, A. (2007). Qualitative cross-impact analysis with time consideration, *Technological forecasting and social change*, vol.74
- Bell, W. (2003). *Foundations of Futures Studies*, New Jersey: Transaction Publishers.
- Fahey, L. & Robert M. R. (1998). *Learning from the future, competitive foresight scenarios*, Canada: John wiley & sons Inc.
- Gordon, T. Rochberg, R. & Enzer, S. (2008). *Research on Cross Impact Techniques with Seleted Problems in Economics, Political Science and Technology Assessment*, Institute for the Future.
- Schnaars, S. (1987). How to Develop and Use Scenarios, *Long Range Planning*; 20 (1): 105-114
- Schwartz, P. (1999). *The Art of Long View: Planning for the Future in the Uncertain World*, New York: John Wiley and Sons.
- Slaughter, R. (1995). New Thinking for New Millennium. *Futures*.